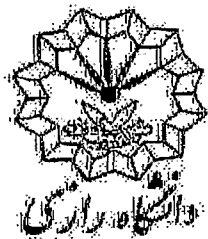


الله أكبر

11.9.07

۸۷/۱/۱۰۷۷۷۲
۸۸/۱/۲۵



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

تابو در شاهنامه فردوسی

استاد راهنما:

دکتر عیسی نجفی

استاد مشاور:

دکتر وحید مبارک

نام دانشجو:

ساسان صوفی

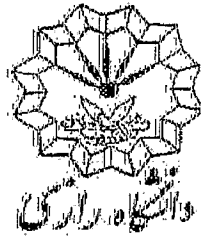
پاییز ۱۳۸۷

۱۱۰۹۵۷



۱۳۸۸ / ۱ / ۲۹

کلیه‌ی حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان

تابو در شاهنامه‌ی فردوسی

در تاریخ

توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه

به تصویب نهایی رسید.

با مرتبه‌ی علمی

۱- استاد راهنمای پایان‌نامه دکتر

با مرتبه‌ی علمی

۲- استاد مشاور پایان‌نامه دکتر

با مرتبه‌ی علمی

۳- استاد داور داخل گروه دکتر

با مرتبه‌ی علمی

۴- استاد داور داخل گروه دکتر

امضاء

امضاء

امضاء

امضاء

تقدیر و سپاس

بر خود لازم می‌دانم که از اساتید بزرگوار گروه ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی آقایان جناب دکتر محمدابراهیم مالمیر، جناب دکتر حمید طاهری و همه کسانی که مراد در تدوین و تنظیم این پایان نامه یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر نمایم، به ویژه استاد راهنما جناب دکتر عیسی نجفی و استاد مشاور جناب دکتر وحید مبارک، برای همه این عزیزان و بزرگواران از خداوند متعال عمر با برکت و سلامتی را خواهانم.

تقدیم بہ:

روح قدسی مقدسترین تقدیسگر احدی، حضرت مصطفوی ﷺ

و روح سترگ قدیس ادبیات حماسی، ابوالقاسم فردوسی

چکیده:

در هر جامعه‌ای با توجه به ویژگیهای مختلف قومی، فرهنگی، مذهبی و تاریخی مجموعه‌ای از امور ممنوع و مقدس پدید می‌آید. جامعه‌شناسان بر اساس زبان پولینزی، واژه تابو را برای این امور به کار برده‌اند. منشأ پیدایش تابو، چگونگی آن، انواع تابو،... مسائلی است که در علوم اجتماعی مورد توجه اهل پژوهش قرار می‌گیرد و ما نیز در بخش اول این پایان‌نامه به تفصیل در این باره سخن گفته‌ایم و بر اساس کارکردهای گوناگون تابو و گسترش دامنه معنایی آن، کوشیده‌ایم با دیدگاهی تازه، بسیاری از امور اخلاقی را در مفهوم مثبت تابو بگنجانیم. از جانب دیگر فردوسی به عنوان شاعری که به پیشینه فرهنگ باستانی ما اشراف داشته، از اشاره به بیشتر مظاهر فرهنگی و تمدن ایران کهن دریغ نورزیده است و بر این پایه، تابو نیز در شعر وی نمودی آشکار دارد. در فصل دوم پایان‌نامه تابو اشخاص که شامل پادشاه، موبد، پهلوان، زن، نوآموزان آئین تشرّف، و مردگان می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل سوم تابوی امور و اعمال، امور زشت اخلاقی از قبیل حرص، آز، دروغ، هوس، افراط و تفریط و... که در متون کهن ما به شکل دیو نمود دارند، مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل چهارم این پایان‌نامه، تابوهای طبیعت از قبیل خورشید، ماه، آتش، حیوان و تابوی اشیای مقدس مورد بررسی قرار گرفته و شواهدی برای آن ذکر شده است.

کلید واژه‌ها: تابو، توتّم، مانا، امور ممنوعه، مقدس، فردوسی، شاهنامه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه..... چکیده
فصل اول	
۴	تعاریف و کلیات.....
۵	توتم:.....
۵	توتم پرستی:.....
۸	تابو (Tabu, Taboo):.....
۱۱	منشأ تابو:.....
۱۳	تقسیم‌بندی تابوها:.....
فصل دوم	
۱۶	تابوی اشخاص.....
۱۷	۱-۲-۱- فرز:.....
۱۸	۱-۲-۱-۱- فرز ایزدی:.....
۲۱	۲-۱-۲- ریختن خون شاه و شاهزاده:.....
۲۳	۳-۱-۲- کشتن شاه:.....
۲۴	۴-۱-۲- فرمان شاه:.....
۲۶	۵-۱-۲- نژاد شاه:.....
۲۸	۶-۱-۲- محدودیت ازدواج شاه:.....
۲۸	۷-۱-۲- ارتباط شاه با فرشته:.....
۲۹	۸-۱-۲- زشتی عدول از سنت شاهان گذشته:.....
۳۰	۹-۱-۲- پرهیز از تماس شاه با زمین:.....

۳۰	۱-۱-۲- یک کشور و دو شاه:
۳۱	۲-۲- فرّ موبدان و اخترشناسان:
۳۳	۲-۳- فرّ پهلوانی:
۳۵	۲-۳-۱- کتمان نام پهلوان:
۳۷	۲-۴- زنان:
۳۸	۲-۴-۱- پرهیز از آمیزش افراطی با زنان:
۴۰	۲-۴-۲- نگفتن راز به زنان:
۴۱	۲-۴-۳- پرهیز از جنگ با زنان:
۴۲	۲-۴-۴- پرهیز از نگاه به نامحرم:
۴۲	۲-۴-۵- پوشیدگی زنان:
۴۴	۲-۴-۶- زناى با محارم:
۴۶	۲-۵- مردگان:
۵۱	۲-۶- مراسم پاگشایی (تشرّف یا آشناسازی):

❁ فصل سوم

۵۴	تابوی امور و اعمال
۵۵	۳-۱- دیو:
۵۶	اهریمن:
۵۹	۳-۲- زشتی آز:
۶۰	۳-۳- رشک:
۶۱	۳-۴- خشم:
۶۲	۳-۵- زشتی دروغ:
۶۴	۳-۶- شور چشمی (چشم بد):
۶۵	۳-۷- زشتی کین ورزی (خون ریختن):
۶۷	۳-۸- دیو بدی:
۶۹	۳-۹- پرهیز از ظلم و ستم و بیداد:
۷۱	۳-۱۰- زشتی افراط و تفریط:
۷۲	۳-۱۱- شومی خودبینی و خودستایی:
۷۳	۳-۱۲- زشتی سخن چینی:
۷۵	۳-۱۲-۱- پرهیز از سخن بد:
۷۵	۳-۱۲-۲- پرهیز از سخن نابجا:
۷۵	۳-۱۲-۳- پرهیز از پر حرفی و گزافه گویی:

- ۷۶ ۳-۱۲-۴- پرهیز از سخن بی عمل: ۳-۱۲-۴
- ۷۶ ۳-۱۳- زشتی تنبلی و سستی: ۳-۱۳-۱۳
- ۷۷ ۳-۱۴- سقط جنین: ۳-۱۴-۱۴
- ۷۷ ۳-۱۵- نکوهش مستی: ۳-۱۵-۱۵
- ۷۸ ۳-۱۵-۱- پرهیز از مستی هنگام جنگ: ۳-۱۵-۱
- ۷۸ ۳-۱۵-۲- پرهیز از مستی هنگام شکار: ۳-۱۵-۲
- ۷۸ ۳-۱۵-۳- نکوهش پیر مست: ۳-۱۵-۳
- ۷۹ ۳-۱۵-۴- پرهیز از آغاز کارها با مستی: ۳-۱۵-۴
- ۷۹ ۳-۱۶- نکوهش ریا: ۳-۱۶-۱۶
- ۸۰ ۳-۱۷- پرهیز از عیب جویی: ۳-۱۷-۱۷
- ۸۰ ۳-۱۸- نکوهش شتاب کاری: ۳-۱۸-۱۸
- ۸۱ ۳-۱۹- نکوهش ترس: ۳-۱۹-۱۹
- ۸۱ ۳-۲۰- پرهیز از غم خوردن: ۳-۲۰-۲۰
- ۸۲ ۳-۲۱- حرمت راز: ۳-۲۱-۲۱
- ۸۲ ۳-۲۲- پرهیز از کشتن خویشاوندان: ۳-۲۲-۲۲
- ۸۴ ۳-۲۳- حرمت والدین: ۳-۲۳-۲۳
- ۸۵ ۳-۲۴- پرهیز از ننگ: ۳-۲۴-۲۴
- ۸۵ ۳-۲۴-۱- ننگ فرار از دشمن: ۳-۲۴-۱
- ۸۵ ۳-۲۴-۲- ننگ کشور به دشمن دادن: ۳-۲۴-۲
- ۸۶ ۳-۲۴-۳- ننگ باج دادن: ۳-۲۴-۳
- ۸۶ ۳-۲۴-۴- ننگ اسارت: ۳-۲۴-۴
- ۸۷ ۳-۲۴-۵- ننگ ترس از دشمن: ۳-۲۴-۵
- ۸۷ ۳-۲۵- حرمت نان و نمک: ۳-۲۵-۲۵
- ۸۸ ۳-۲۶- پرهیز از سپردن کارهای بزرگ به افراد کوچک و جوان: ۳-۲۶-۲۶
- ۸۸ ۳-۲۷- حرمت علم و دانش: ۳-۲۷-۲۷
- ۹۰ ۳-۲۸- حرمت عهد و پیمان و سوگند: ۳-۲۸-۲۸
- ۹۲ ۳-۲۹- حرمت ازدواج: ۳-۲۹-۲۹
- ۹۳ ۳-۲۹-۱- ازدواج شرعی: ۳-۲۹-۱
- ۹۴ ۳-۲۹-۲- پرهیز از ازدواج با نژاد بد: ۳-۲۹-۲
- ۹۵ ۳-۲۹-۳- شومی ازدواج با بیگانه: ۳-۲۹-۳
- ۹۶ ۳-۳۰- پرهیز از ناسپاسی: ۳-۳۰-۳۰
- ۹۷ ۳-۳۱- جادو: ۳-۳۱-۳۱

۱۰۰ ۳-۳۲- حرمت عقل و خرد:

❁ فصل چهارم

۱۰۲ تابوی طبیعت و اشیا

۱۰۳ ۴-۱- مقدمه:

۱۰۴ ۴-۲- گیاه:

۱۰۸ ۴-۳- حیوان:

۱۰۹ ۴-۳-۱- حرمت گاو:

۱۱۰ ۴-۳-۲- سیمرغ:

۱۱۲ ۴-۳-۳- کرم هفتواد:

۱۱۳ ۴-۳-۴- ازدها:

۱۱۴ ۴-۳-۵- مار:

۱۱۴ ۴-۳-۶- شیر:

۱۱۵ ۴-۳-۷- اسب:

۱۱۶ ۴-۴- حرمت آتش:

۱۲۱ ۴-۵- خورشید:

۱۲۲ ۴-۶- آب:

۱۲۳ ۴-۷- خاک:

۱۲۳ ۴-۸- باد:

۱۲۵ ۴-۹- ماه:

۱۲۶ ۴-۱۰- کوه:

۱۲۷ ۴-۱۱- شب:

۱۳۰ ۴-۱۲- اشیا مقدس (Fetish):

۱۳۱ ۴-۱۲-۱- درفش کاویان:

۱۳۱ ۴-۱۲-۲- مهره:

۱۳۲ ۴-۱۲-۳- جام کیخسرو:

۱۳۳ ۴-۱۲-۴- انگشتری، تاج، تخت و مهر شاهی:

۱۳۵ نتیجه گیری

۱۳۷ فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

آنچه را در این پایان نامه مورد بررسی قرار خواهیم داد، در علوم روز دنیا بیشتر مربوط به مسایل مردم‌شناسی است. مسایلی که مورد تحقیق جامعه‌شناسان، دین‌شناسان، روان‌شناسان، فیلسوفان و به طور کلی همه محققانی است که به نوعی با مسائل فرهنگی بشر، درگذر تاریخ سروکار دارند. بر این اساس سعی شده است، منشأ تابو، چگونگی آن، انواع تابو، و رابطه آن با توتم در شاهنامه فردوسی با توجه به متون دینی و اساطیری کهن و بازتاب آن در اندیشه و کلام فردوسی مورد بررسی قرار گیرد. زیرا تاکنون با توجه به تحقیق و مطالعه نگارنده اثر مستقلی در این زمینه نوشته نشده است.

در زبان پولینزی (Polynesie)^(۱) شخص یا چیزی را که دارای ویژگی تقدس و از تماس با دیگران ممنوع باشد «تابو» است. مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان این واژه را برای مفاهیمی که نشان دهنده تقدس یا ممنوعیت است، به کار می‌برند. از دیدگاه این دسته از دانشمندان دایره معنایی «تابو» وسیع‌تر از کاربرد آن در زبان بومیان پولینزی است به گونه‌ای که پاره‌ای از دانشمندان، هر امر مقدس یا ممنوعی را در شمول معنای تابو جای می‌دهند: یعنی تابو را می‌توان قوانین و مقرراتی دانست که پیرامون مقدسات و پلیدیهاست. البته چنین برداشتی از مفهوم تابو منتقدانی نیز دارد. منتقدان بر این اعتقادند که چنین برداشتی از مفهوم تابو بسیاری از باورهای مذهبی را در حد خرافه تنزل می‌دهد. این برداشت به خاطر توجه به معنای اولیه واژه تابوست. در حالی که اگر تابو را به دو دسته تابوهای خرافی و غیرخرافی تقسیم کنیم، شاید این اشکال مرتفع شود. درست است که واژه تابو در دانش مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، یکی دو قرن بیشتر

۱- منسوب به جزایر پولینزی در جنوب غربی اقیانوس آرام.

سابقه ندارد، اما مفهوم آن قدمتی به دیرینگی تاریخ بشری دارد. از نظر جغرافیایی نیز، هر چند این واژه را از زبان پولینزی گرفته‌اند، اما دایره کاربرد آن وسعتی به اندازه جامعه انسانی دارد. بشر ابتدایی بنا بر دلایلی منطقی یا غیرمنطقی، خرافی یا غیرخرافی، به جهت کسب منفعت یا دفع مضرت بر مبنای نیروی غیبی (مانا)، ترس از شیاطین و ارواح یا وسواس روانی پدیده‌هایی را ممنوع و تحریم و اموری را مقدس به شمار می‌آورد. این امر در باور ایرانیان باستان نیز همچون سایر انسانها وجود داشته است.

حکیم طوس به عنوان شاعری است که علاوه بر انتقال داستانهای باستان، بسیاری از باورهای کهن را نیز برای ما به یادگار گذاشته و شماری از تابوهای موجود در باور پیشینیان را مستقیم یا غیر مستقیم بازگو کرده است. توجه به مصادیق تابو و تأملی گذرا بر ابیات شاهنامه، گواه این مدعاست. البته در این پایان نامه با توجه به گستره دامنه تابو و مفاهیم آن، بسیاری از امور زشت اخلاقی نیز در شمار تابوها قرار گرفته‌اند. این پایان نامه شامل چهار فصل است: در فصل اول در حد توان به بیان تعاریفی از تابو، توتم و پاره‌ای اصطلاحات از قبیل شیء مقدس، مانا، آداب تطهیر و... پرداخته‌ایم. و نیز تاریخچه تابو و منشأ تابوها و مفاهیم مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم و به طور کلی تابوها را در سه دسته: تابوی اشخاص، امور و اعمال و طبیعت تقسیم بندی نموده‌ایم.

در فصل دوم پایان نامه، به بیان تابوی اشخاص پرداخته شده است که شامل پادشاه، موبد، اخترشناس، پهلوان، زن، مردگان و نوآموزان آیین تشرّف می‌شود. و برای هر کدام شواهدی از شاهنامه ذکر شده است و خواننده در صورت تمایل می‌تواند با توجه به ارجاعات به ابیات دیگری در آن موضوع دست یابد.

در فصل سوم تابوهای امور و اعمال آورده شده است که می‌توان آن را تابوهای اخلاقی نامید و تقسیم بندی آن با مراجعه به کتب متعدد و امعان نظر در مطالب آنها صورت گرفته است: زیرا این تابوها در زمره مسائل فرهنگی و روانی قرار می‌گیرند، و با توجه به اینکه در این مسائل مرز قاطعی وجود ندارد و کسی به طور قاطع نمی‌تواند بگوید که زشتی دروغ یا زنا یک امر اخلاقی است یا یک امر دینی یا مسأله‌ای فرهنگی، پس بدیهی است که در هر سه تقسیم بندی جای می‌گیرد. بر این اساس و با توجه به بیت‌های شاهنامه تابوهای این فصل به سی و دو دسته تقسیم شده‌اند، و با توجه به منابع مربوط به تابو و مراجعی که در رابطه با تاریخ، اسطوره، مذهب و باورهای ایرانیان باستان در دست است. جملائی برای هر عنوان ذکر شده است و سپس شواهد شعری شاهنامه در حدّی که به ملال خواننده و اطالّه مطلب منتهی نشود، نقل

گردیده است.

در فصل چهارم با توجه به اینکه تابوها شامل مقررات و قراردادهای طبیعی هستند. که مطابق آنها برخی از چیزها و موجودات به علت تقدس یا پلید بودن صفت حرمت و ممنوعیت به خود می‌گیرند، به بیان این مظاهر مقدس و پلید طبیعی با توجه به متون اساطیری پرداخته شده است. در شاهنامه مظاهر طبیعی از قبیل خورشید، ماه، آب، حیوان، اشیاء و... مقدس‌اند. و نزد ایرانیان «توتم» بوده‌اند و با توجه به اینکه مقررات تابویی انسان‌های ابتدایی پیرامون توتم‌ها بوده است، این مظاهر بدون شک مقررات تابو خاصی داشته‌اند اما در بیشتر موارد در شاهنامه این قوانین به صورت آشکار بیان نشده‌اند، ما نیز در حدّ توان به آنها اشاره کرده و شواهدی از شاهنامه برای هر عنوان ذکر کرده‌ایم.

روش کار در این تحقیق کتابخانه‌ای بوده است. ابتدا با مطالعه و فیش برداری کار شروع شد و بعد از آن به دسته‌بندی فیش‌ها پرداختیم و بعد با دادن عناوین مختلف برای هر دسته از فیش‌ها و تعدیل عنوانها در نهایت پایان نامه را در چهار فصل تدوین نمودیم.

فصل اول

تعاریف و کلیات

نظر به اینکه «تابو» یکی از اصول اساسی توتمیسم است و در روش جان‌گرایی (Animism) و در تمام صور ادیان ابتدایی مورد اعتقاد و عمل می‌باشد، و ارتباط تنگاتنگی با توتم دارد و بیشتر مقررات تابویی حول محور توتم‌ها می‌چرخند، ابتدا می‌بایست به جهت ادای حقّ مطلب، تعریفی از توتم و منشأ پیدایش آن ارائه گردد تا ذهن خواننده برای درک و فهم مقررات تابویی مهیا گردد.

توتم:

«توتم (تُ تِ)، این کلمه مأخوذ از زبان قبایل سرخ‌پوست است، و این قبایل ابتدایی، حیوانی را همچون نیاکان اولیه یا خدای اختصاصی قبیله‌ی خود مورد توجه قرار می‌دهند و آن را توتم قبیله‌ی خود می‌دانند و توتمیسم، سیستم اجتماعی و مذهبی که بر مبنای اعتقاد به توتم پایه‌گذاری شده بود.»^(۱)

«در مذهب آنیمیسم (جان‌گرایی) شیء طبیعی، به طور معمول حیوان، که شخص با احترام فوق‌العاده به آن می‌نگرد و رابطه‌ی نزدیک و خاصی بین خود و آن قائل است افراد یک قبیله‌ی توتمی، خود را از نسل توتم می‌دانند و نباید توتم را بکشند یا بخورند و یا آن را لمس کنند، یا از آن به نام واقعیسم اسم ببرند.»^(۲)

در دایرة المعارف دین و اخلاق نیز ریشه دستوری کلمه توتم، یعنی «ات» به معنای پیوند و قرابت خونی بین برادران و خواهران بطنی، یا گروهی از افراد... که نمی‌توانند با هم ازدواج کنند می‌باشد.»^(۳)

توتم پرستی:

«مقصود از توتم پرستی، یک رشته اعمال عمومی است که جنبه‌ی مذهبی یا سحری ندارد؛ لکن، از طبیعت آن هر دو (مذهب و سحر) قسمتی در آن موجود است. برای بشر اوّلیه این قضیه امری طبیعی بوده است که نسبت به حیوانات اطراف خود با دیده‌ی نزدیکی و قرابت نظر کند، زیرا مشاهده می‌کند که آنها در

۱- دهخدا، علی اکبر. لغت‌نامه، ذیل کلمه‌ی توتم. ۲- اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه‌ی مزدیسنا، ذیل کلمه‌ی توتم.

۳- رید، نولین، انسان در عصر توحش، ترجمه‌ی محمود عنایت، ص ۷۰.

همه چیز به او شباهت دارند، در حرکات و سکنات و به دست آوردن غذا و فرار یا جنگ و نزاع، اعمالی شبیه به کارهای خود او انجام می دهند و با او به هیچ وجه مبیانت و تناقضی ندارند؛ از این رو بالطبع تصور می کند که او یا بعضی از آن حیوانات پیرامون وی از یک رشته و اصل انشعاب یافته اند، یا آنکه یکی از نیاکان قدیم آنها به صورت همان جانور بوده است و جدّ مشترک داشته اند همین احساس نزدیکی و مؤالفت با سایر اشیاء، حتی موجودات بی جان، جوهر عقیده به توتمیسم است این عقیده در نقاط مختلف گیتی، در نزد قبایل بدوی، صورت های متنوع و مختلف پیدا کرده است و هر فرد قبیله نسبت به رابطه قبایل دیگر یا مردم همسایه خود با حیوانات نیز تصورات و پنداشت هایی حاصل کرده است؛ به طور مثال، خیال می کرده که قبیله خود او با خرس دارای قرابت خاصی است؛ ولی، قبیله مجاور با غزال نزدیکی دارد، یا آنکه فکر می کرده که بهترین طعام و خوراکی او از حیوانات خاص یا نباتات معینی می باشد، از این رو آن هر دو توتم قبیله او شده اند.

پس باید این جانوران و گیاهان را حفظ کند و آنها را به زور سحر یا دعا یا امثال آن تکثیر کرده، افزونی بخشد، چون افرادی که به توتم قبیله معینی وابستگی ندارند، آن حیوان یا آن نبات را با بی اعتنایی و با بی پروایی می خورند و زیان می رسانند از این سبب هر تیره و قبیله باید برای حفظ آن جانور و نبات بکوشد، و آنها را همگی مقدّس بشمارد، و در حقیقت، مانند افراد قبیله خود، آنها را محترم شمرده، محافظت کند، و اگر بایستی آنها را بخورد باید با آداب و تشریفات معین مذهبی آنها را کشت و سپس به مصرف رساند. برای مثل، از این مظهر اجتماعی بدویان، یک نمونه توتم از هندوهای آمریکا را ذکر می کنیم: قبیله های هندوان سرخ پوست به گروهها و تیره های جزء تقسیم می شوند، و هر کدام برای خود توتم مقدسی دارند، که آن را رمز و علامت محترم یادگار از جدّ اعلای تیره خود می دانند و نسبت به آن صفات اجتماعی خاصی قائلند: به طور مثال، افراد آن تیره توتم خود را، که برای آن معانی رمزی عالی تصور می کنند، نمی کشند و همچنین به او آزار و ایذا نمی رسانند، مگر در مواقع بسیار مهم، برای آنکه گوشت آن را در هنگام انجام تشریفات و آداب سحری و یا مذهبی با رسوم خاصی تناول کنند.^(۱)

توتم اصطلاحی است که در زبان قبیله ای از سرخپوستان آمریکای شمالی به نام «الگونکیان» گرفته شده است که در زبان ایشان به معنای چیزی مقدّس و محترم به کار می رود که رابطه نزدیک و خاصی بین خود و آن قائل است.^(۲)

۱- ناس، جان: تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۳۶.
۲- مشکور، محمدجواد، خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، ص ۲۲.

توتم از نظر لغوی به معنای یک حیوان خوردنی بی آزار، گوزن شمالی در میان سرخپوستان آمریکای شمالی یا جانوری خطرناک و مخوف، اژدها در چین و ژاپن است که با مجموع افراد گروه رابطه‌ای مخصوص دارد و به ندرت رستنی و یا یکی از نیروهای طبیعی، باران و آب، توتم قرار می‌گیرد. توتم در درجه اول نیاز گروه است و در درجه دوم یک روح نگهبان و نیکوکار است که به وسیله ندای غیبی پیام می‌فرستد؛ در حالی که برای دیگران خطرناک است، فرزندان خود را می‌شناسد و آسیبی نمی‌رساند. کسانی که دارای توتم مشترک هستند ملزم به رعایت تکلیف مقدّسی هستند که سرپیچی از آنها به خودی خود موجب کیفر است. آنها باید از کشتن توتم یا صدمه زدن به آن یا هر نوع استفاده دیگری خودداری کنند. هر چندگاه یک بار جشن‌هایی برپا می‌شود. پیوندی که به وسیله توتم ایجاد می‌شود. استوارتر از پیوند خونی یا خانوادگی است.

در اصطلاح جامعه‌شناسی، توتم پرستی عبارت است از ایمان و احترام خاص به بعضی از حیوانات و نباتات به طوری که مردم آن قبیله گمان می‌کنند که از نسل آن حیوان هستند، قبیله‌هایی که برای خود توتم خاصی دارند، برای آنکه به مردم دیگر قبایل و بیگانگان ارادت و احترام خود را به حیوان مخصوصی نشان دهند، مجسمه یا تصویر آن را بر دیوکی بلند در مدخل قبیله خود نصب می‌کنند که به اصطلاح علمی آن را «دگل توتم» (Totem pole) نامند. اصول عقاید توتمی عبارتند از:

۱- قبایل بدوی در درجه اول حیوان و در درجه دوم گیاه و به ندرت یک شیئی چون باران و دریا و ستاره را توتم قرار می‌دهند.

۲- اعضای آن قبیله خود را خویشاوندان آن توتم و یا احیاناً او را جدّ خود می‌پندارند.

۳- در توتم پرستی قبیله‌ایی، نام توتم از برجسته‌ترین مشخصات آن است و هر فرد از قبیله دارای اسم توتم، و باید با فردی خارج از گروه توتمی خود ازدواج کند و این زناشویی را «برون همسری» گویند.

۴- توتم برای گروهی که خود را منتسب به او می‌دانند یک تابو و یا یک شیء مشخص شمرده می‌شود، و کشتن آن حیوان یا کندن آن گیاه حرام است.^(۱)

به اعتقاد دورکیم، توتم به این دلیل مقدّس است که نماد گروه و جامعه قرار می‌گیرد. توتم نماینده ارزش‌هایی است که برای گروه یا اجتماعی اهمیت اساسی دارد. حرمت و تکریمی که از توتم به عمل می‌آید در واقع، ناشی از احترام و تکریمی است که افراد گروه برای جامعه قایل هستند. به عبارت دیگر

۱- مشکور، محمدجواد، خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، صص ۲۳-۲۴.

اشیای لاهوتی، گیاهان، حیوانات، و افراد دیگری که به لحاظ پیوند با اشیای لاهوتی تقدّس یافته‌اند، همه به دلیل بهره‌مندی از عنصر «کلان» است، حتی نیروی بی‌نام و نامشخصی که توتم بر آن دلالت دارد از خود اجتماع گرفته شده است.

آقای محمّدجواد مشکور، ایمان به توتم را ناشی از نوعی جهان‌بینی می‌دانند که افراد قبیله از درک طبیعت و حیات پیدا کرده‌اند. این درک دارای دو عامل اصلی است، یکی آنکه تمام موجودات خواه جاندار و خواه بی‌جان محلّ و نهانگاه یک اصل مشترک زندگی است. دیگر آنکه این زندگی مداوم و مستمر می‌باشد.^(۱)

غلامعلی آریا در کتاب آشنایی با تاریخ ادیان در مورد منشأ توتم چنین آورده است: «اختیار توتم یا از روی ترس است، چنانکه از شیر و مار می‌ترسند و یا از روی محبّت و زیبایی و جمال آن حیوان، چنانکه طاووس و کانگورو از این گروه‌اند.»^(۲)

در قبایل توتمیسم نه تنها تصویر و پیکر توتم مقدّس است بلکه افراد آن قبیله تقلید صدای توتم و آرایش سر و شکل و لباس خود که آن را هم شبیه توتم ساخته نوعی عبادت می‌دانند.^(۳) به طور کلی در شاهنامه فردوسی لباس پهلوانان از قبیل بیر بیان رستم و ابرار جنگی آنان مانند گرزگاو سر و... نمود آشکار از توتم پرستی می‌باشد.

با توجه به تعاریف توتم و توتم‌پرستی می‌توان گفت، به طور کلی در ادیان ابتدایی، تابوها، بیشتر مقررات اجتماعی و دینی پیرامون توتم‌ها هستند که عدم رعایت و پشت پا زدن به آنها برای انسان‌های بدوی مجازات‌هایی را در پی داشته است. با روشن شدن این موضوع اکنون به تعاریف مختلف «تابو» می‌پردازیم.

تابو (Tabu, Taboo):

در فرهنگ دهخدا در مورد «تابو» چنین آمده است: «در زبان پولی‌نزی، «تابو» و «تاپو» به معنی مقدّس و ممنوع طبق آیین پولینزیان، شخص یا چیزی را که دارای سنجیه مقدّس باشد و از تماس با دیگران ممنوع بود، تابو گویند. مؤلف قاموس الاعلام ترکی گوید: این نام را اهالی جزایر واقعه در بحر محیط کبیر به یک معبود موهوم و خیالی و به طور اصّح به مقدّسات و اشیا محبوب خویش اطلاق نمایند، همین که بر چیزی

۱- مشکور، محمّدجواد، خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، ص ۲۴.
۲- آریا، غلامعلی، آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۲۴.
۳- همان، ص ۲۴.

ذی روح یا بی روح اطلاق شد، تمام افراد به تعظیم و احترام، بلکه به پرستش و ستایش او مجبور و مجذوب می شوند هر که در این باره سهل انگاری کند، و قصوری ورزد، منفور و مظهر تحقیر همگانی گردد.»^(۱)

در دانشنامه مزدیسنا نیز چنین تعریف شده است: «لفظ پولینزیایی، که در اصل به معنی مقدّس یا نجس یا ممنوع است، و در اصطلاح دلالت دارد بر شخص یا شیء یا عملی خطرناک که چون مقدّس یا نجس و یا منهی و حرام است، باید از آن اجتناب کرد. نقض حرمت تابو را به طور معمول قوای فوق طبیعی کیفر می دهند و کسی که چنین کند، دچار مرگ یا بیماری یا بدبختیهای دیگر می گردد و در بعضی موارد نیز جامعه آن را کیفر می دهد. چنانکه در هاوایی کیفر نقض حرمت تابو، مرگ بود. قبایل پولینزی برای سرکردگان خود چنان قدرت مافوق طبیعی قایل بودند، که تماس مردم عادی را با شخص او و یا اشیا متعلق به وی، خطرناک می دانستند؛ بنابراین سرکرده قبیله تابو بود و در بعضی جزایر یک رئیس سخنگو رابط وی با مردم بود بعضی امکان نیز تابو بود. در زلاندنو جنگلها را تابو می دانستند؛ ولی، بر حسب احتیاج به چوب و شکار، با شعائر خاصی، به طور موقت از آن رفع تابو می کردند.»^(۲)

محمدجواد مشکور در خلاصه تاریخ ادیان در مورد تابو چنین آورده است: «تابو واژه‌ای است «پولینزیایی» منسوب به جزایر «پولینزی» که در جنوب غربی اقیانوس آرام قرار گرفته است. مردم آنجا دارای پوستی گندم‌گون و قامتهایی کوتاهند و زندگی ایشان ابتدایی است. کاپیتان کوک (Cook) انگلیسی که در سال ۱۷۷۱ م، در جزیره «تونگا» از مجمع الجزایر نامبرده لنگر انداخته بود، ملاحظه کرد، که مردم آن جزیره نسبت به بعضی از چیزها، دغدغه خاطر داشته و آنها را مشخص و انگشت‌نما می سازند و دست درازی یا بی حرمتی به آنها را تابو می دانند، به طور مثال، شخص بیمار یا جسد مرده یا آدم غریب را تابو می شمارند. و اعتقاد دارند که نقض حرمت تابو را به طور معمول قوای فوق طبیعت کیفر می دهند. در بعضی موارد جامعه نیز آن را کیفر می دهد.»^(۳)

«می توان گفت که: «اعتقاد به تابو در تمام جهان عمومیت دارد. شخص رئیس گروه یا شیخ قبیله، مادام که حائز قدرت و رهبری است، تابوست و افراد جماعت برای او آن چنان قوه و نیروی غیبی قائل هستند که تصور می کنند، دست زدن به بدن یا جامه یا افزار و اثاث او یا حتی فرش یا جایی که وی بر آن گام نهاده، خطرناک است، و اگر کسی چنین گناهی را مرتکب شود جان او در معرض خطر است و باید با عملی خاص آن را جبران کند. حکایات بسیاری از قبایل بدوی نقل شده است که بعضی افراد قبیله از زن و مرد که ندانسته

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ذیل کلمه تابو.
 ۲- اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، ذیل کلمه تابو.
 ۳- مشکور، محمدجواد، خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، ص ۲۱.